**١٣٩ - دلیل کتاب و آیات**

 و قوله عظیم برهانه : چه میان حجج و دلائل آیات بمنزله شمس است و سوای آن بمنزلهٴ نجوم و آن است حجت باقیه و برهان ثابت و نور مضیئی از جانب سلطان حقیقی در میانهٴ عباد هیچ فضلی بآن نرسد و هیچ امری بر آن سبقت نگیرد کنز لالی الهیه است و مخزن اسرار احدّیه و آن است خیط محکم و حبل مستحکم و عروهٴ و ثقی و نور لا یطفی شریعة معارف الهیه از آن در جریان است و نار حکمت بالغهٴ صمدانیه از آن در فوران ... هرگز مظهری اکبر از انبیاء نبوده و حجتی اکبر و اعظم از آیات منزله در ارض ظاهر نشده بلکه اعظم ازین حجّت حجتی ممکن نه ...مثلا در عهد موسی توراة بود و در زمان عیسی انجیل و در عهد رسول الله قرآن و در این عصر بیان و در عهد من یبعثه اللّه کتاب او .

و قوله عّز و علا چنانچه الیوم مشاهده می کنید چه سخنهای لغو که بآن جوهر بقا گفته اند و چه نسبتها و خطایا که بآن منبع و معدن عصمت داده اند با اینکه در کتاب الهی و لوح قدس صمدانی در جمیع اوراق و کلمات انذار فرموده مکذّبین و معرضین آیات منزله را بشارت فرموده مقبلین آنرا با وجود این چقدر اعتراضات که بر آیات منزلهٴ از سماوات قدسیّه بدعیّه نموده اند و حال آنکه چشم امکان چنین عنایتی نشنیده که آیات بمثابهٴ غیث نیسانی از غمام رحمت رحمانی جاری و نازل شود چه انبیای اولوالعزم که عظمت قدر و رفعت مقامشان چون شمس واضح و لائح است مفتخر شدند هر کدام بکتابی که در دست است ... و ازین غمام رحمت بیست مجلّد الان بدست میآید و چه مقدار که هنوز بدست نیامده و چه مقدار هم که تاراج شده ... و معلوم نیست که چه کرده اند ...آیا شنیده اید که از جمله علت اینکه بعضی انبیاء اولوالعزم بودند نزول کتاب بود بر آنها .

و قوله الاعلی از همه اینها گذشته آیا ازین نفس قدس و نفس رحمانی احتراز جویند و ادبار نمایند نمیدانم بکه تمسک جویند و بکدام وجه اقبال کنند .